



Part B: Vocabulary

Directions: Questions 111-125 are incomplete sentences. Beneath each sentence you will see four words or phrases, marked (1), (2), (3), and (4). Choose the one word or phrase that best completes the sentence. Then mark the correct choice on your answer sheet.

111- Comedian Bill Cosby once observed that you can turn painful situations around through laughter. If you can find humor in anything, even poverty, you can ----- it.

- 1) suffer 2) survive 3) release 4) generalize

112- When the kid began to misbehave, his father took him ----- by the arm and led him from the room.

- 1) necessarily 2) personally 3) terribly 4) firmly

113- Mildred Bethel once observed that happiness is a(n) ----- choice, not an automatic response.

- 1) flexible 2) efficient 3) previous 4) conscious

114- Scientists require observable data, not conjecture, to support a hypothesis; sound science is grounded in empirical results rather than -----.

- 1) mystery 2) speculation 3) confidence 4) comparison

115- I regret to say that the plans were made too -----, without enough thought behind them.

- 1) hastily 2) neutrally 3) temporarily 4) ambiguously

116- According to Time magazine, at least 68 million people are ----- to die of AIDS by 2020.

- 1) raised 2) concerned 3) included 4) expected

117- Birth of their children was the most important ----- in the lives of Cassie and Fred which they would never forget.

- 1) sense 2) feature 3) occasion 4) involvement

118- If the ice covering the Antarctic continent were to melt, the level of the sea would rise so much that the whole world would be -----.

- 1) floated 2) flooded 3) overcome 4) locked up

119- When Jason forgot to do his homework, he tried to come up with a ----- excuse his teacher would believe.

- 1) plausible 2) courteous 3) significant 4) responsible

120- Rajiv's mother was seriously injured in a car accident which occurred when she was for a moment ----- by her cell phone while driving on the highway.

- 1) informed 2) prevented 3) distracted 4) embarrassed

121- The boys on the team have a lot of ----- their coach because he listens to what they say, and always encourages them, rather than just criticizing them for every mistake.

- 1) respect for 2) guidance in 3) reference to 4) instruction of

122- This dictionary is not made for any ----- language level; it can be used by anyone studying English, from the beginner to the advanced learner.

- 1) basic 2) specific 3) probable 4) appropriate

123- Innovative use of computers in the classroom allows students to do projects that ----- them to be both analytical and intellectually adventurous.

- 1) design 2) suggest 3) enhance 4) encourage

124- Living in ----- meant that the creatures no longer had to seek shelter on their own.

- 1) accord 2) secrecy 3) captivity 4) solitude

125- Terry Fox ran halfway across Canada on an ----- leg after losing his own leg to cancer.

- 1) entire 2) active 3) extinct 4) artificial

۱۱۱- بیل کازبی، کمترین، یک بار مشاهده کرد که شما می‌توانید موقعیت‌های دردناک را از طریق خنده تغییر دهید. اگر بتوانید طنز را در هر چیزی پیدا کنید، حتی در فقر، می‌توانید از آن جان سالم به در ببرید.

۱) رنج کشیدن، مبتلا بودن (✓) زنده ماندن، جان سالم به در بردن (۳) رها/آزاد کردن، منتشر کردن (۴) تعمیم دادن

۱۱۲- وقتی بچه شروع به بدرفتاری کرد، پدرش به طور محکم بازویش را گرفت و از اتاق بیرون برد.

۱) الزاما / لزوماً (۲) شخصاً (۳) بسیار، به طور وحشتناک (✓) قاطعانه، به طور محکم

۱۱۳- میلدرد بتل یکبار مشاهده کرد که شادی یک انتخاب آگاهانه است (نه یک پاسخ خودکار).

۱) انعطاف‌پذیر (۲) موثر، کارآمد، لایق (۳) قبلی، سابق (✓) هوشیار، آگاه

۱۱۴- دانشمندان برای حمایت از یک فرضیه به داده‌های قابل مشاهده نیاز دارند، نه حدس و گمان؛ علم صدا بیشتر بر اساس نتایج تجربی است تا حدس و گمان.

۱) رمز و راز، معما (✓) گمان، اندیشه، سفته‌بازی (۳) اعتماد به نفس (۴) مقایسه، سنجش

۱۱۵- با تاسف می‌گوییم که برنامه‌ها خیلی عجولانه و بدون تفکر کافی در پشت آن‌ها طراحی شده‌اند.

(✓) عجولانه، باعجله (۲) بی‌طرفانه (۳) موقتاً (۴) به طور مبهم

۱۱۶- بر اساس گزارش مجله تایم، حداقل ۶۸ میلیون نفر تا سال ۲۰۲۰ بر اثر آیدز جان خود را از دست خواهند داد.

۱) بالا بردن (۲) مربوط بودن، نگران کردن (۳) شامل شدن (✓) انتظار داشتن

۱۱۷- تولد فرزندان آن‌ها مهم‌ترین مناسبت در زندگی کاسی و فرد بود که آن‌ها هرگز فراموش نمی‌کردند.

۱) حس، احساس، شعور (۲) خصیصه، ویژگی (✓) مناسبت، رویداد، علت فرصت (۴) درگیری، دخالت

۱۱۸- اگر یخ‌های پوشاننده قاره قطب جنوب ذوب شوند، سطح دریا آنقدر بالا می‌رود که تمام جهان زیر آب می‌رود.

۱) شناور بودن، شناور کردن (✓) سیل زده کردن (۳) چیره شدن (۴) زندانی کردن

۱۱۹- وقتی جیسون فراموش کرد تکالیفش را انجام دهد، سعی کرد بهانه‌ای موجه برای معلم خود بیابد.

(✓) قابل قبول، پذیرفتنی (۲) مودب، با ادب (۳) قابل توجه، مهم (۴) مسئول، عهده‌دار، معتبر

۱۲۰- مادر راجیو در یک تصادف رانندگی به شدت مجروح شد، زمانی که او هنگام رانندگی در بزرگراه برای لحظه‌ای حواسش به تلفن همراهش پرت شد.

۱) اطلاع دادن (به)، آگاه کردن، خبر دادن (۲) جلوگیری کردن از، مانع شدن (✓) حواس کسی را پرت کردن (۴) خجالت‌زده کردن

۱۲۱- پسران تیم به مربی خود احترام زیادی می‌گذارند زیرا او به صحبت‌های آن‌ها گوش می‌دهد و همیشه آن‌ها را تشویق می‌کند، نه اینکه فقط به خاطر هر اشتباهی از آن‌ها انتقاد کند.

(✓) احترام به (۲) راهنمایی به (۳) اشاره به، عطف به (۴) آموزش، دستور، رهنمود، دستورالعمل

۱۲۲- این فرهنگ لغت برای هیچ سطح زبان خاصی ساخته نشده است. برای هر کسی که انگلیسی می‌آموزد، از مبتدی تا زبان‌آموز پیشرفته، می‌تواند از آن استفاده کند.

۱) بنیادی، اساسی، اصلی، ساده (✓) خاص، اختصاصی، ویژه، واضح، دقیق (۳) احتمالی، محتمل (۴) مناسب، شایسته

۱۲۳- استفاده خلاقانه از رایانه در کلاس درس به دانش‌آموزان اجازه می‌دهد پروژه‌هایی را انجام دهند که باعث تشویق آن‌ها می‌شود آن‌ها هم تحلیلی و هم ماجراجویانه باشند.

۱) طراحی کردن (۲) پیشنهاد کردن، توصیه کردن (۳) افزایش دادن، بهتر کردن (✓) تشویق کردن، ترغیب کردن

۱۲۴- زندگی در اسارت به این معنی بود که موجودات دیگر مجبور نبودند به تنهایی به دنبال سرپناه باشند.

۱) توافق (۲) خفا (✓) اسیر، شیفته (۴) انزوا، تنهایی

۱۲۵- تری فاکس پس از از دست دادن پای خود بر اثر سرطان در ناحیه کانادا با پای مصنوعی دوید.

۱) کامل، تمام، سراسر (۲) فعال، معلوم (۳) منقرض، خاموش (✓) مصنوعی